



تحلیلی در تحول جمعیتی کشور

امروزه و در شرایط حال حاضر، تشکیل خانواده و زندگی جمعی برای زوج‌های جوان، به یک آرمان و آرزو تبدیل شده است. تحقیقات می‌گوید هر چقدر سطح رفاه و درآمدها، سطح اجتماعی و تحصیلات بالاتر برود، گرایش به فرزند آوردن نیز کمتر می‌شود.

امروزه و در شرایط حال حاضر، تشکیل خانواده و زندگی جمعی برای زوج‌های جوان، به یک آرمان و آرزو تبدیل شده است. تحقیقات می‌گوید هر چقدر سطح رفاه و درآمدها، سطح اجتماعی و تحصیلات بالاتر برود، گرایش به فرزند آوردن نیز کمتر می‌شود.

جمعیت کمتر، زندگی بهتر را آن قدر محکم و جدی گرفتیم که کمتر کسی مجال تفکر، تحلیل و یا حتی تشکیک در آن را یافت. در عوض تا توانستیم با ابزار تردید و تهدید و تمسخر، فرزندآوری را مانع شدیم تا هنوز آن حرف و شبهه‌ها در ذهن بسیاری بماند. امروزه و در شرایط حال حاضر، تشکیل خانواده و زندگی جمعی برای زوج‌های جوان، به یک آرمان و آرزو تبدیل شده است. تحقیقات می‌گوید هر چقدر سطح رفاه و درآمدها، سطح اجتماعی و تحصیلات بالاتر برود، گرایش به فرزند آوردن نیز کمتر می‌شود. موارد ذیل نمونه‌های تحولات فرهنگی و اجتماعی تاثیرگذار در فرزندآوری است.

تحولات هویتی

تصویری که هر فردی نسبت به خودش به عنوان یک شخص دارد، هویت شخصی و تصویری که هر فرد از خود به عنوان یک مرد و یا زن دارد، هویت جنسی گفته می‌شود. البته این تصورات که توأم با انتظارات و ارزش گذاری‌هاست، به مرور زمان تحول پیدا می‌کند. چه بسا بتوان گفت که مهم‌ترین عامل در هویت متحول شده انسان امروزی، فرد گرایی است. به طوری که اگر در گذشته مصلحت‌های اجتماعی نسبت به مصلحت‌های فردی مقدم بود، در شرایط امروزه، شادمانی فردی، مناسبات اجتماعی را تعیین می‌کند. در نگاه فردی، زندگی شخص به خود او مربوط است و فرد برای خود زندگی می‌کند و مفاهیمی مانند جامعه و خداوند برای چنین فردی جایگاهی ندارد. لذا آن‌گونه که اراده می‌کند و می‌پسندد زندگی می‌کند.

در تصویری که از مردها در گذشته وجود داشت، مفاهیمی مانند حس مسئولیت، داشتن حق مدیریت در خانواده، افتخار به داشتن خانواده و فرزندآوری و دلبستگی به خانواده وجود داشته است.

ولی در تصویری که از مردهای امروزی وجود دارد، مفاهیمی مانند خواسته‌های فردی، کاهش وابستگی به خانواده و اقوام، چشم داشت به همکاری اقتصادی از همسر در زندگی و کم شدن تمایل به مدیریت را می‌توان مشاهده کرد.

در چنین شرایطی، مردان کمتر تمایل به فرزندآوری دارند و از این جهت هویت یابی و هویت نمایی نمی‌کنند.

از طرفی دیگر، اگر در گذشته زن به وسیله فرزندانش ارزش پیدا می‌کرد و به طور کامل دلبسته خانه و خانواده خود می‌شد و خود را پیرو تصمیم‌های همسر خود می‌دانست و انتظارات مادی کمتری از همسر خود داشت، امروزه زن از طریق تحصیلات، کار و جایگاه اجتماعی سعی در هویت نمایی خود دارد؛ به طوری که جایگاه اجتماعی برای او از ارزش بالاتری نسبت به جایگاه خانه و خانواده دارد.

از این‌رو، عده‌ای از زنان امروزی، استانداردهای بدن و رعایت تناسب بدن برایشان از اهمیت بالاتری برخوردار است و کمتر از گذشته پیرو تصمیم‌های همسر، به خصوص در تصمیم‌گیری درباره فرزند آوردن هستند.

امروزه، خانواده‌های جدید با مصرف گرایی، هویت سازی و هویت نمایی می‌کنند. بدیهی است که با گسترش فرهنگ سبک زندگی مصرفی و افزایش مصرف، برای پذیرفتن فرزندان بیشتری که موجب محدودتر شدن مصرف دیگر اعضای خانواده می‌شود، جایی به آن صورت نمی‌ماند.

علاوه بر آن، در چنین فضایی، فرزندآوردن بیشتر، موجب شکست خانواده‌هایی می‌شود که قادر نیستند که در مسابقه مصرف، خودی نشان دهند و حتی والدین نیز احساس می‌کنند که در حق فرزندان کم برخوردار خود ظلم کرده‌اند.

«در سال 1391 در شهر تهران، بر روی خانواده‌هایی که یک فرزند زیر پنج سال داشتند، تحقیقی انجام شد که نشان داد 35 درصد از این والدین، می‌خواهند همان یک فرزند را داشته باشند و در حدود 55 درصد می‌خواهند که دو فرزند داشته باشند و 8 درصد هم می‌خواهند سه فرزند و تنها یک درصد آنها تمایل به بیش از سه فرزند را داشتند.»¹

امروزه، تعداد بسیاری از خانواده‌ها، فرزند اول را برای گرم شدن زندگی خود و فرزند دوم را تنها برای تکمیل جنسیت فرزندان خود می‌خواهند و دیگر تمایلی به فرزند بیشتر ندارند.

توسعه و گسترش آموزش‌های عالی به خصوص برای خانم‌ها، علاوه بر بالا بردن سن ازدواج، منجر به شکل گیری هویت جدید و به وجود آمدن ارزش‌های جدید برای خانم‌ها شده است.

برخی تحقیقاتی که انجام شده نشان داده، زوج‌هایی که از تحصیلات بالاتری برخوردارند و خانم‌هایی که در سنین بالاتری ازدواج می‌کنند، هماهنگی بیشتری با الگوهای امروزه باروری از خود نشان می‌دهند و به احتمال زیاد قبل از اولین بارداری خود، روش‌های پیشگیری را به کار برده‌اند و امروزه هم از فرزندان کمتری برخوردار هستند.

از طرفی، بازسازی تصویر زن و خانواده در رسانه‌های امروزی، هم از عوامل تأثیرگذار در تحولات هویتی زنان شده است. متأسفانه، در این سال‌ها خانواده‌های کم‌فرزند در تلویزیون و سینما، خانواده‌های سعادتمند و بدون دغدغه مالی و خانواده‌های پر جمعیت، خانواده‌های ناتوان، پر از دغدغه‌های مالی و آشفته نشان داده شده‌اند.

با وجود اینکه درباره ارتباط بین فرهنگ پذیری از رسانه‌های تصویری و تمایل به فرزندآوری، تحقیقاتی انجام نشده است، ولی می‌توان با قاطعیت تمام گفت که رشد استفاده از رسانه در کشورمان که به توسعه ارزش‌های جدید می‌انجامد، در کاهش تمایل به فرزندآوری مؤثر بوده است.

ترس از بی‌ثباتی خانواده

چه بسا، میان تعداد فرزندان و ثبات خانواده یک رابطه دوطرفه‌ای باشد؛ بدین معنی که احتمال طلاق در خانواده‌های کم جمعیت بیشتر است و همچنین احساس ناامنی و ناپایداری نسبت به آینده خود در زندگی خانوادگی، فرزندآوری را به تأخیر انداخته است. «از سال 79 به بعد، نسبت ازدواج به طلاق، روند کاهشی داشته و از 12 ازدواج در برابر یک طلاق به 5/5 طلاق در سال 91 رسیده است.»² لذا می‌توان انتظار داشت که نگرانی از پایداری خانواده، باروری و فرزندآوری را به تأخیر اندازد.

نگرانی‌های تربیتی

نگرانی و دغدغه‌های روز افزون والدین نسبت به موفقیت خود در تربیت فرزندان، به چند عامل بر می‌گردد؛

1. آسیب‌های اجتماعی، رشد فزاینده‌ای داشته است و احساس می‌شود که فرزندان با حضور در چنین فضاهای اجتماعی، آسیب پذیرتر شده‌اند.

2. به دنبال پیچیدگی جوامع، امر تربیت نیز پیچیده شده است؛ لذا والدین لازم است که از مهارت کافی برای شناخت پدیده‌های نوظهور، به ویژه پدیده‌های جدید اجتماعی برخوردار شوند.

3. آمدن پدیده‌ای به نام رسانه موجب شده که مرجعیت جدیدی در امر تربیت ایجاد شود و از آنجایی که رسانه‌ها ناخواسته به کنار زدن والدین و بیشتر شدن شکاف نسلی انجامیده، استعدادها و توانمندی‌های والدین را نیز کاهش داده است.

در شرایط حال حاضر، بسیاری از والدین به این نتیجه رسیده‌اند که برای تربیت درست فرزندان خود، باید در چند جبهه، از جمله در برابر رسانه‌ها و فضاهای اجتماعی ایستادگی کنند و در این مسیر، بار سنگینی باید به دوش بکشند.

برخی از والدین تصور می‌کنند که هر چه تعداد فرزندان کمتر باشد، در تربیت آنها موفق‌تر خواهند بود؛ در حالی که بر اساس یک پژوهش، تمایلات روان‌پریشی در فرزندان خانواده‌های پر فرزند به مراتب کمتر است و همچنین فراوانی اختلال‌های رفتاری سلوک، کمبود توجه، بیش‌فعالی و سایر اختلال‌های رفتاری در کودکان تک‌فرزند، در مقایسه با چند فرزند، به مراتب کمتر است.

برخی‌ها هم تصور می‌کنند؛ بارداری و زایمان، سلامت بانوان را تهدید می‌کند؛ در حالی که سلامت بدن زن در بارداری و وضع حمل و شیر دادن است.

والدین باید این آگاهی را داشته باشند که یکی از معایب تک‌فرزندی از جهت تربیتی، وابستگی شدید والدین به تک‌فرزند یا برعکس، حساسیت افراطی والدین به رفتار و گفتار تک‌فرزند، تجربه نکردن برخی احساسات به دلیل نداشتن برخی اقوام همچون عمو و عمه، ارتباط کمتر با همسالان، به خطر افتادن استقلال تک‌فرزند و در یک کلام، خطرات روحی و شخصیتی زیادی در زندگی آینده فرد در بر خواهد داشت.

عوامل مالی و اقتصادی

در بین عوامل اقتصادی، می‌توان دو عامل را برای تأثیرگذاری بر فرزندآوردن و باروری بر شمرد؛

هزینه‌دار شدن فرزند: در گذشته، علاوه بر آنکه فرهنگ اقتصادی، امورات زندگی با هزینه کم را ممکن می‌ساخت، فرزندان هم در سنین پایین به بازار کار می‌رفتند و قادر بودند نیرویی کارا و درآمدزا برای خانواده خود باشند. ولی اکنون، با به درازا کشیدن زمان تحصیل، علاوه بر زمان سربازی، برای پسران، فرزند را به نیرویی مصرف‌کننده و هزینه‌بر مبدل کرده است.

بی‌ثباتی اقتصادی: بی‌ثبات شدن اقتصاد که از تورم و بی‌کاری برآمده است، باعث تأثیرگذاری روشنی بر زندگی مردم شده است؛ از این‌رو به تدریج والدین به این نتیجه و باور می‌رسند که در پشتیبانی و حمایت از فرزندان ناتوان‌تر هستند.

عوامل اجتماعی

در بین عوامل اجتماعی می‌توان به عوامل ذیل برای تأثیرگذاری بر فرزندآوری و باروری اشاره کرد.

شهرنشینی: هجرت از روستا به شهر، بیشتر به دلیل انگیزه‌های اقتصادی و تحصیلی و اجتماعی می‌باشد؛ ولی اکثر هجرت‌کنندگان افراد کم‌درآمدی هستند که به ناچار در حواشی شهرها زندگی می‌کنند.

از طرفی فشردگی جمعیتی در یک نقطه، گرانی زمین، منازل کوچک، درآمدهای بسیار کم، هزینه‌های سرسام‌آور شهری، افزایش آسیب‌های اجتماعی و همچنین موج اعتیاد در بخش‌هایی از شهرها، موجب شده تا انگیزه فرزندآوری و باروری در میان هجرت‌کنندگان نیز کم شود.

شهرنشینی، از طرفی به تدریج این امکان را به خانم‌ها می‌دهد که فرصت کار و فعالیت در خارج از خانه را پیدا کنند و آزادی بیشتری چه از قبل از ادواج و چه بعد از آن داشته باشند.

همچنین مردمی که در شهر زیست می‌کنند، چه هجرت‌کننده باشند و چه نباشند، رفته رفته روش زندگی مدرنیته غربی را بیشتر از روستاییان یاد می‌گیرند و کم‌کم به سمت خانواده‌های کم جمعیتی تمایل پیدا می‌کنند.

حضور گسترده زنان در فضاهای اجتماعی: با بیشتر شدن گرایش خانم‌ها به حضور در فضاهای اجتماعی همچون تحصیلات و اشتغال که مهم‌ترین شاخصه آن، دوری از محیط خانه است، باروری و فرزندآوری به عامل بازدارنده از تحرک اجتماعی مبدل می‌شود.

تحول در ازدواج و طلاق: بالا رفتن مجرد دختران در کنار بالا رفتن سن ازدواج و همچنین آمار روز افزون زنان بیوه و طلاق گرفته، می‌تواند نقش مهمی در کاهش جمعیت نیز داشته باشد.

سیاست‌های نادرست: در دولت‌های مدرن، مسئولیت دولت در مورد بهداشت، رفاه و آموزش و پرورش نسبت به همه افراد جامعه توجه شده است. همچنین این دولت‌ها وظیفه خود دانستند که همه شهروندان را زیر پوشش حمایت‌های اجتماعی قرار دهند. از جمله توسعه شبکه‌های بهداشتی دولتی، بیمه و بازنشستگی، آموزش همگانی، فراهم کردن فرصت‌های کاری و...؛ در حالی که در کشور ما، در مقطعی از گذشته با افزایش جمعیت و از طرفی احساس ناتوانی دولت در مهیا کردن فضاهای آموزشی و خدمات بهداشتی و رفاهی، انگیزه دولت را برای مهار جمعیت بیشتر کرد. تا جایی که خانم‌ها به فعالیت‌های اجتماعی و جوانان به ازدواج در سنین بالاتر و فرزندآوری کمتر تشویق شدند و همچنین انواع روش‌ها و وسیله‌های پیشگیری از بارداری هم در دسترس آنها گذاشته شد.

در حال حاضر، مهم‌ترین مسأله این است که دانسته شود، نقطه نهایی عزیمت کشورمان از نظر تحولات جمعیتی کجا است. سطح باروری زنان در تعداد زیادی از استان‌های کشور کمتر از 2/1 فرزند است! مسأله‌ای که در مورد جمعیت و تغییرات سطح باروری در ایران حساسیت ایجاد می‌کند، این است که هنگامی که کاهش باروری نهادینه شود، با هر تلاش و زحمتی که صورت بگیرد، تنها به سختی می‌توان آن را، آن هم به اندازه جزئی افزایش داد.

با این روندی که ادامه پیدا می‌کند، چه بسا در حوالی سال 2050 در حدود 23 تا 36 درصد جمعیت کشور، افراد 60 سال به بالا تشکیل خواهند داد. از این نکته نباید غافل شد؛ که ما در کشور، سیاست جمعیتی غیر هدفمندی را دنبال می‌کنیم. لذا نخست باید هدف‌های بلند مدتی تعریف شود و بعد از آن زمان بندی‌ها باید قابل ارزیابی و بازنگری نیز باشد.

بدون شک، از جهت سیاست کلی کشور، می‌بایست به نحو معقول و معتدل به سمت افزایش جمعیت برویم. رهبر معظم انقلاب در این باره در همایش ملی تغییرات جمعیتی، فرمودند: «بنده هم چنان معتقدم کشور ما کشور 75 میلیونی نیست؛ کشور ما کشور 150 میلیونی است. حالا ما دست کم را گرفتیم، بیشتر هم می‌شود گفت. قطعا این کشور با این سطح وسیع، با این تنوع آب و هوایی، با این امکانات فراوان زیر زمینی، با این استعداد بالقوه علمی که در این کشور وجود دارد، می‌تواند یک کشور پر جمعیتی باشد و ان شاءالله خودش هم این جمعیت را اداره کند؛ یعنی همچنان که ما فکر می‌کنیم که اگر چهار پنج بچه افتاد روی دوش یک خانواده، وضع زندگی‌شان چگونه خواهد شد، فکر این را هم نکنید که این چهار پنج بچه وقتی بزرگ شدند و کاری پیدا کردند و شغلی پیدا کردند، چه کمکی می‌توانند به پیشرفت کشور بکنند؛ یعنی این را هم باید فکر کرد.»³

منبع:

[1]. نشریه خانه خوبان 58، ص 32

[2]. همان، ص 33

[3]. این همایش به همت معاونت پژوهش موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) روز 9 آبان سال 1392 برگزار شد.

عقیل مصطفوی مجد